



مفاهیم و اصطلاحات نسخه‌پردازی در شعر فارسی

نجیب مایل هروی

چکیده: نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی ایرانی - اسلامی از جمله مفاهیم فنی و علمی است که از حوزه محدود کاتبان و مذهبیان به ساحت گسترده و دراز دامن ادیبان و سخنوران راه یافته و تصاویری زیبا از آن آفریده و بر ادبیات تخیلی ما افزوده است. نویسنده مقاله بر این اعتقاد است که مفاهیم و ساختارهای زبانی نسخه‌پردازان و کتاب‌آراییان از جمله عناصر سبک‌آفرین در شعر فارسی بوده، و از لحاظ ادبیات‌شناسی در خور تأمل و دقت است.

نمادگون زبانی می‌آفرینند و ذهنیت جامعه و زبان آنان را به آن مفاهیم معطوف می‌کنند و پیوسته.

این راهکار فرهنگی از مفاهیم ویژه و محدود به زمینه کاربردیشان زمانی صورت‌پذیر می‌شود که آن مفاهیم از یک سو قاعده‌مند و نظام‌مند شده باشند و از دیگر سو در قلمرو ذهنیت و پسندهای درونی اهالی هنر و ادب مرکز گشته باشند.

به این اعتبار، یکی از راه‌های بسیار دقیق و سودمند مفاهیم فنی و علمی جستجوی آنهاست در زبان هنر و ادب. نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی ایرانی - اسلامی از جمله مفاهیمی است فنی و علمی، که چون در درازنای یک هزار و اندی سال، نرم نرمک، زمینه شناختگی آنها نهادینه شده از حوزه محدود کاتبان و مذهبیان به ساحت گسترده و دراز دامن ادیبان و سخنوران راه یافته است به طوری که ادیبان بسیاری از مسائل اجتماعی و پسندهای فرهنگی را با ساختارهای شناخته مفاهیم مطرح در نزد خطاطان و تذهیب‌گران پیوند زده و تصاویری زیبا و رعنا آفریده‌اند.

به لحاظ اینکه موضوع مورد بحث، بیشتر آشکار و پیدا گردد، به طرح چند مثال و مشاهد توجه می‌دهم.

(۱) ایسات زیر را ملا ناظم هروی، شاعر سده ۱۱ ق

آنگاه که مفاهیم شأنی از شئون حیات انسانی نهادینه می‌شوند و قاعده‌پذیر، می‌توانند از رویه‌های محدود و منحصر در حوزه کاربرد خود به اعماق ذهن و زبان ادبی راه یابند. به تعبیری دیگر، وقتی مفهومی از مفاهیم از حوزه محدود و تنگ‌کاربرد ویژه، به ساحت پهناور هنر و ادب راه یابد و از تصور به تصویر برسد، می‌توان گفت که آن مفهوم با همه ابعادش به نزد اهالی زبان آن هنر و ادب شناخته شده است.

بسیار بوده‌اند و هستند مفاهیمی که بر اثر خدادهای سیاسی / اقتصادی، در دوره‌ای خاص، در بین جمعی یا جامعه‌ای مجال طرح یافته‌اند، اما چون به قلمرو ادب و هنر آن جمع و جامعه راه نیافته‌اند نه تنها ماندگار نبوده‌اند، بلکه به لحاظ شناخت‌شناسی تاریخ فرهنگ آن جامعه نیز در خور نقد و بررسی و تأمل نمی‌نمایند و امکان واری و شناخت دقیق آنها میسر و مقدور نیست. به رغم آن، مفاهیمی که در میان جمعی یا جامعه‌ای تضح می‌یابند و ریشه در اعماق پسندهای حیاتی و زیستی آن جامعه می‌دانند، بر زبان اهالی هنر و ادب جاری می‌گردند و از هیأت تصور به صورت تصویر در می‌آیند، به آن گونه که اهالی هنر و ادب برای آن مفاهیم، صور

ساخته است:

اما در بیت دوم شاعر، نه تنها به پیوستگی "آب" و "سبزه" نظر دارد، بلکه به "آب زر" که نسخه پردازان در نسخه نویسی و کشیدن جدول از آن استفاده می کرده اند معطوف است، یعنی همچنان که سبزه را آب سبز می کند و سبزی، مضمون اندیشه شاعر هم وقتی آشکار و هویدا می شود که آن را با آب زر و با خط حسن و خوش بنویسند، آن هم بر صفحه ای که دارای جدول باشد، زیرا جدول، کاتب را در کتابت محتاط می کرده و سبب می شده است تا کرسی خط یا انجامه های سطور در یک رسته و منظم نویسانیده شود.

اما بیت سوم دارای تصاویری به ظاهر پیچیده و خمیده است ولیکن چنین نیست. اگر به دو ادب نسخه پردازان کاتبان و نسخه پردازان توجه شود و آن اینکه کاتب آنگاه که اثر را به کتابت می گرفته و آن را به پایان می رسانده، نسخه مکتوب اثر را ترقیم می کرده یعنی امضا می نموده است.^۳ در این قسمت از نسخه، کاتب شکر خدای به جای می آورده که توفیق اتمام کتابت را یافته است و هم از خواننده طلب دعای کرده است. عبارت این قسمت از نسخه را هم در بین جدول های مثلث گونه می نوشته است.

ادب دیگر اینکه، کاتبان پس از کتابت، نوک خامه را با آب می شسته و با پارچه خشک و پاکیزه می کرده اند.^۴ و به این گونه، از خشک شدن سیاهی بر روی نوک قلم جلو می گرفته اند. شاعر مفهوم نخست (یا ترقیمه نویسی) را در مصراع نخست و مفهوم پاک کردن نوک قلم را از سیاهی و مرکب با توجه به مانده بودن آن عمل به "دست شستن" مطمح نظر داشته و بدین گونه صرف نظر نمودن و یا پایان یافتن کار و دور شدن از آن را اراده کرده است:

(۲) نیز به ابیات ذیل توجه کنید:

- دویی بگذار در یک جلد کن جمع

همه اقوال مولانا و عطار^۵

- آن کس که دو خمسه را تمامی گردد

در ملک سخن بزرگ و نامی گردد

- مژه خواهد که کند قصه هجران تحریر

کاین همه جدول خونین به رخ زرکشید

- آب زر باشد مناسب، سبزه اندیشه را

ظاهر این مضمون زحمت دلکش و جدول شود

- جدول شنجراف ختم آن به که از تیغ دعا

دست شوید عنبرین کلک مداد آلائی من^۱

هریک از بیت های مذکور مضمونی دارند که شاعر،

آن مضمون را با مفاهیم نسخه پردازان پیوسته و تصاویر زیبای شاعرانه آفریده، به گونه ای که نه تنها ابیات مزبور مضامین مورد نظر شاعر را می نمایند، بل هر یک از آنها به کمک مفاهیم مطرح در نزد نسخه پردازان به تصویر شاعرانه تبدیل شده و نیز مفاهیم نسخه پردازان را با بارهای معنایی عاشقان و اندوه و غم عاشقانه پیوستگی داده و غنا بخشیده است.

در بیت نخست، "مژه جایگاه خامه" را گرفته است که

اندوه هجران معشوق را "تحریر می کند". "جدول خونین"

خطهای سرخ رنگ (شنجرافی) است که بر چهارکناره

صفحه کشیده می شده. این جدول خونین به نزد شاعر به

"اشک خونین" او ماندگی یافته است که چون "اشک" متوالی

و بدون وقفه از چشم عاشق سرازیر می شود، چون خطوطی

باریک بر رخسار عاشق می نماید. رخسار عاشق هم بر اثر

هجران معشوق، اندوه زده است و زرد فام. "رخ زر همان

رخسار عاشق است که از فرط زردی به "زر" می ماند. "رخ زر"

با توجه به "خامه" و "تحریر کردن" و "جدول خونین"

"(شنجراف) چیزی جز "کاغذ زر" یا کاغذ زرد فام نیست.

بنابر تصریح سعدی، آثار ماندنی و پستیدنی را پیشینیان

بر "کاغذ زر" کتابت می کرده اند. اگر این تفسیر را محل

تردید بدانیم، روشن است که بعضی از دیوان های شعر را در

گذشته بر کاغذ الوان، از آن جمله کاغذ زرد رنگ،

می نویسانیده اند.^۲

۱. دیوان ناظم هروی، به کوشش محمد قهرمان (مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۴) ص ۶۳۵، ۶۲۰، ۷۷۶.

۲. اشرف مازندرانی به صراحت به این نکته توجه داده است:

شعر اشرف بی نیاز از کاغذ الوان بود

معنی چون هست رنگین نیست حاجت سرخ و زرد

۳. درباره ترقیم کردن کاتبان (ترقیمه نوشتن) نک: نجیب مایل هروی، تمد و تصحیح متون (مشهد: بنیاد پژوهش های اسلامی، ۱۳۶۹) ص ۱۲۴.

۴. نک: سراج شیرازی، یعقوب بن حسن، تحفة المحبین، به کوشش کرامت رعنا حسینی و ایرج افشار (تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۶) ص ۱۱۰.

۵. سید قاسم انوار، کلیات، به کوشش سعید نفیسی (تهران: سنایی، ۱۳۱۷) ص ۳۳۸.

در حاشیه جای شعر خسرو، آنست

تا گردد سرشعر نظامی گردد.^۶
شاعر در مورد نخست برای نفی اثنت و نمودن وحدت به استشهاد مفهومی مطرح در نزد نسخه‌نویسان پرداخته است، به این گونه که از سده ۸ ق عده‌ای از کاتبان، آثار هم سو هم سنخ را در یک مجموعه کتابت کرده‌اند به این صورت که اثر عمده‌تر و مهم‌تر را در متن اوراق و اثر دیگر را در هامش (سه سوی یا سه حاشیه ورق) می‌نویسایند. با این توضیح، سید قاسم انوار تبریزی می‌گوید که: هم چنان که تجلی‌های واحد الهی، مولانا و عطار و گفتارهای آن دو را پدید آورده است و این تجلی‌ها به وحدت می‌انجامد، گفتارهای دو گانه مولانا و عطار را نیز می‌بایست در یک دفتر کتابت کرد.

شکوهی همدانی هم به همین اسلوب نسخه‌نویسی توجه داده با این نکته که چون *خمسه امیر خسرو* بر اثر تبع و تقلید *خمسه نظامی* سروده شده، در نسخه‌ای که متضمن هر دو *خمسه* است *خمسه نظامی* در متن اوراق و آن دیگر در هامش *خمسه امیر خسرو* به واقع فراگرد *خمسه نظامی* می‌چرخد یا فدای آن می‌شود.

۳) نیز هم ابیات زیر را ملاحظه کنید :

- کهکشان بین السطور صفحه انشای تو

اختران افشان چشم مور دیوان تواند
- آن بیاض خاصه شاهی که در اطراف آن

جای افشان نقطه‌های انتخاب افتاده است ...
فرد عسمرت باد با دیوان محشر متصل

وین دعای بی‌ریا خود مستجاب افتاده است^۷
- نجفش نام و قطعه‌ای ز بهشت

که به نامش بهشت قطعه نوشت
فرد اول ز نسخه گشت جدا

جاش پیداست در بهشت خدا^۸
در مورد نخست، ناظم، "کهکشان" (کهکشان، مجموعه‌ای

از ستاره‌های نزدیک به هم، مجرّه) را به طلا اندازی بین
سطرهای دو صفحه نخست نسخه مانده کرده است. رسم بوده

است که مذهبان در تزئین و آرایه‌ور ساختن نسخه‌ها - خاصه

نسخ آثار ادبی - صفحات نخستین نسخه را بیش از دیگر صفحات می‌آراسته‌اند. به گونه‌ای که فاصله‌های بین سطرها را با آب طلا ترسیم می‌کردند و دوران را با خط تحریر (خطی نازک از سیاهی) محدود می‌نمودند. در مصراع دوم نیز نقطه‌های زرین افشاندند بر روی صفحه (یا حواشی صفحه) را به ستارگان آسمان تشبیه داده است. "افشان چشم مور" (افشان چشم موری) نوعی از افشان ممتاز و دقیق بوده است که نسخه‌آرایان به لحاظ زیباسازی کاغذ، آن را با ریزه‌های طلا می‌آراسته‌اند به طوری که ریزه‌های طلا را به صورت پودر بر صفحه کاغذ می‌پاشیده (یا می‌بیخته) و سپس با کوب بر آن می‌کوبیده‌اند تا ریزه‌ها (میدّه‌ها) ی زر به مغز کاغذ نفوذ کنند و با آن هم سطح شوند. "افشان کله موری" و "افشان چشم موری" از جمله گونه‌های افشان بوده است که نوع دوم آن البته دقیق‌تر و هم دشوارتر فراهم می‌شده است.^۹

در بیت اول، مورد دوم، شاعر به نوعی از کتاب به نام "بیاض" توجه دارد. بیاض به کتاب‌هایی اطلاق می‌شد که نه از طرف طول بلکه از سوی عرض شیرازه‌بندی می‌گردیده است. بیاض‌ها بیشتر در قطع کوچک جیبی فراهم می‌آمده و متضمن گزیده‌هایی از آثار ادبی و مذهبی بوده و دارنده آن در سفرها از آن استفاده می‌کرده است. قطع بزرگ آن عموماً مختص رجال دیوانی و بزرگان دیوان‌سالار بوده است به طوری که بیاض را با این قطع با اوراق سفید و نانبشته تهیه می‌کرده‌اند و دوستان، آشنایان و وابستگان صاحب بیاض، وقتی به دیدار او می‌آمدند، به خواهش وی، مطالبی را به یادگار بر صفحه یا ورقی یا اوراق آن کتابت می‌کرده‌اند. از سوی دیگر کاتبان برای شروع کتابت، عادت داشته‌اند که قلم را امتحان کنند. امتحان قلم با نوشتن "قطعه" صورت می‌گرفته است. این نقطه‌ها را که عموماً در حاشیه صفحات می‌گذارده‌اند، به نام "قطعه انتخاب" می‌نامیده‌اند.

چرا نقطه انتخاب؟ وجه تسمیه آن چه بوده است؟ آیا این نقطه‌ها را به اعتبار انتخاب کردن قلم (خامه) به این نام خوانده‌اند؟

به هر حال، شاعر این نقطه‌های انتخاب را به ریزه‌های زرین

۶. رباعی از ملا شکوهی همدانی است که محمد طاهر نصرآبادی آن را در *تذکره الشعراء*، به کوشش محسن ناجی (تهران: اساطیر، ۱۳۷۸)، ص ۸۶۱ نقل کرده است.

۷. *دیوان اشرف مازندرانی*، به کوشش محمد حسن سیدان (تهران: موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۷۳)، ص ۱۳۱، ۱۳۳.

۸. دو بیت مذکور از میرزا محمد تبریزی مجذوب است که نصرآبادی (*تذکره الشعراء*، ص ۸۶۳) آن را آورده.

۹. برای افشان و گونه‌های آن، نک: مایل هروی، *کتاب‌آرایی در تمدن اسلامی* (مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۷۲)، ص ۵۷۹ - ۵۸۱.

افشاننده بر حاشیه‌های صفحات بیاض مانده کرده است. اما در بیت دوم که دعای طول عمر ممدوح شاعر را در بر دارد، او این دعا را با مفهومی از مفاهیم نسخه‌پردازی تبیین و تصویر نموده است. این مفهوم با واژه فرد (فرد نسخه) بیان شده و آن، ظاهراً عبارت بوده است از دو برگ نخست نسخه که در نزد صحاف (مجلد) مبنای بستن عطف و شیرازه‌بندی قرار می‌گرفته و ظاهراً جدا شدن آن از نسخه آسان‌تر می‌نموده است. در دو بیت بعد نیز شاعری دیگر از شاعران عصر صفوی مجذوب به همین مفهوم توجه داشته است. ابیات مذکور با توجه به باور مسلمانان از موقف و موضع امام علی (ع) در جمع اصحاب یا در جمع امامان اثناعشر (کتاب امامت یا کتاب صحابه) این گمان را تقویت می‌کند که فرد در نسخه‌پردازی عصر صفوی همان دو برگ نخست نسخه بوده است که مذهب بوده آراسته به سرلوح و تشعیر اسلیمی ختایی و طلا اندازی بین سطور و غیره.

نمونه‌های مذکور، مشتق است از خروار خروار مفاهیم نسخه‌پردازی که در صمیم زبان و ادب فارسی نفوذ کرده است. بی‌گمان راه‌یابی مفاهیم نسخه‌پردازانه به ادب فارسی، از یک سو اسباب پیدایی تصاویر جدیدی در فارسی شده است و از دیگر سو شاعران با طرح تصاویر شاعرانه (نسخه‌شناسانه) توانسته‌اند برآوردها و پستندهای جمال‌شناسانه (زیبایی‌شناسانه) را به اقلیم نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی تزریق کنند و تفهیم آنان بین مفاهیم نسخه‌پردازان و زیبایی‌های طبیعت پیوندهای عمیق و استوار ایجاد کرده‌اند به گونه‌ای که زیبایی‌های نسخه‌ها را با پدیده‌های زیبای طبیعت سنجیده و مانده کرده‌اند. و به این صورت نسخه‌پردازان و کتاب‌آریان پیشین را با معطوف کردن به زیبایی‌های طبیعت، به نگره زیباشناسانه سوق داده‌اند. به ابیات زیر از آذر بیگدلی که در توصیف بیاضی از نگاشته‌های درویش عبدالمجید طالقانی سروده است، توجه کنید:

... نوشتی از وفا رنگین بیاضی

به خط خویش و دادی یادگارش

بیاضی نه، گلستانی پر ز گل

ندیده هیچ‌کس آسیب خارش

بیاضی نه، سمن زاری دلاویز

خوش الحان مرغکان هر سو هزارش

بیاضی نه، محیطی کابر نیسان
به جان پرورده در شاهوارش

بیاضی نه، سپهری پر کواکب
ز مشکین نقطه گردون مدارش ...^{۱۰}

البته همچنان که با طرح مفاهیم نسخه‌پردازان در قلمرو ادب فارسی، بسیاری از تصاویر شاعرانه ساخته و پرداخته شده است، زبان و تصاویر زیبای شاعرانه نیز در تعالی و شکوفایی نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی سهمی چشمگیر داشت به طوری که ظاهراً اصل زیبایی‌شناسی در نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی ایرانی از این بده بستان فرهنگی متأثر شده است.

شاعران پارسی‌گوی از نخستین قرون پیدایی شعر فارسی با مفاهیم نسخه‌پردازی آشنایی مختصر و فشرده‌ای داشتند. در شعر سبک خراسانی به ندرت می‌توان با مفاهیمی رویاروی شده که در قلمرو کارکاتبان (دبیران) و ورآقان متداول بوده است. ورود مفاهیم نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی به اقلیم شعر فارسی، از سده ۶ق یعنی با پیدایی و روایی شعر سبک عراقی شروع شده است. در شعر شاعرانی چون سنایی، خاقانی، انوری، کمال اسماعیل اصفهانی، شمس طبری و دیگران به پاره‌ای از مفاهیم نسخه‌پردازی برمی‌خوریم به آن‌گونه که آنان در توصیف پدیده‌ای از پدیده‌های نسخه‌پردازی بیت (یا ابیات)ی سروده‌اند. در شعر نظامی گنجه‌ای و حافظ شیرازی است که با استفاده از مفاهیم مورد بحث، تصاویر شاعرانه ایجاد شده است. وقتی به پایان زمان شعر سبک عراقی می‌رسیم، شاعرانی چون عبدالرحمن جامی را می‌یابیم که با مدد مفاهیم نسخه‌پردازان و کتاب‌آریان ده‌ها تصویر شاعرانه ساخته و مافی الضمیر خود را بیان داشته است اما، البته رویارویی شاعران سبک هندی در شعر فارسی با مفاهیم و مصطلحات نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی بسیار عمیق بوده است و هم صاف و زلال؛ تا جایی که خواننده شعر سبک هندی تصور می‌کند که بیشتر شاعران سده‌های ۱۰ - ۱۲ ق خود نسخه‌پرداز و کتاب‌آرا بوده‌اند. آنان بسیاری از مفاهیم و مصطلحات خوشنویسان نسخه‌نویس (یا رُقع‌نویس)، کاغذگران، جدول‌کشان، مذهب‌ان، نقاشان و مجلدان رابه حیث ابزار زبان شاعرانه به کار گرفتند و به خلق تصاویرهای شاعرانه پرداختند، تصاویری که هرگز با دیگر مفاهیم و اصطلاحات فنی و علمی به حاصل نمی‌آمد و زبان فارسی از وجود آنها محروم می‌ماند. تصاویر زیر را

۱۰. دیوان درویش عبدالمجید شکسته‌نویس، به اهتمام احمد سهیلی خوانساری (تهران: ما، ۱۳۶۳) ص ۱-۲.



چوخامه پا نکشند از ره سیه کاری

تحسیم کنید :

زگرد غفلت مردم سفید شد مصحف

• تصویر مقابل هم قرار گرفتن :

از این گونه تصاویر شاعرانه که شاعران فارسی گوی به کمک

دفتر گل پیش بلبل برکه معنی دوستان

ساختارهای زبانی مربوط به نسخه پردازان و کتاب آرایان ساخته و پرداخته‌اند، هزاران مورد در دیوان‌های شعر فارسی دیده می‌شود که برغنائی ادبیات تخیلی ما افزوده است.

رو به یکدیگر چو اوراق کتاب آورده‌اند

• تصویر نگاه کردن بر رُخ معشوق :

تصاویر مذکور، همچنان که به لحاظ ادبیات‌شناسی شعر فارسی در خور تأمل‌اند، به اعتبار شناخت آداب و عادات نسخه‌نویسی، خوشنویسی، خط‌شناسی، کاغذشناسی و به طور کلی به

خامه مویی زخار این گلستان بسته‌ام

بر بیاض دیده، تصویر نگاهی می‌کشم

• تصویر رخساری که رگه‌های اشک بر روی آن نشسته است :

لحاظ نسخه‌شناسی نسخه‌های خطی حائز اهمیت فراوان‌اند و هم وفور این ساختارهای زبانی در شعر فارسی، به حیث شناسه و شاخصه‌های سبک‌آفرین سزاوار تفتیش و

رُخ پر از جدول خون چون تقویم

• تصویر سفر کرده هندوستان که بیشتر شاعران عهد صفوی

تنقیب‌اند. تاکنون سبک‌های شعر فارسی به هیچ روی با توجه به شناسه‌ها و شاخصه‌های مزبور بررسی نشده است، حال آنکه مفاهیم و ساختارهای زبانی نسخه‌پردازان

از سفر مذکور پشیمان بوده‌اند :

دارد سر هند هر که از هند آید

چون خامه که از دوات بیرون آید

• تصویر آدم سودایی :

و کتاب آرایان از جمله عناصر سبک‌آفرین در شعر فارسی بوده‌اند و می‌افتد که شعر فارسی به اعتبار این عناصر سبکی مورد بازنگری و تحقیق شعرشناسان معاصر قرار گیرد.

خوشنویس سواد سودا را

شَب سیاهی، صحیفه مهتاب است

• تصویر مردم غافل :

در روی تو لقمه سخن خدا بگویم
روان کشادی و در زلفی بستی
حسرت از انجاکای خات مکاشفه نیت شود و وجد از ادراک مسعود بی گدست
و موجب همین کی حکانم خابیه زده اند و رسیدگان اقرار آیه کرده و ملائکه ملائطه
بخوازدرا کمان معنی اعتبار نمودگی **مَا عَرَفْنَا لِحَقِّ مَعْرِفَاتِ** بیان آن
معرف یک دانگی رونده ان راه دارد قدیسه قدسی بنفوس و سستی تنگ شراب ضعیف اخطاب
در قدم اول پیک قدح مست و سوخت بیکر داد در مرتبه حیرت نماند و ساان ماان
رساند **درین ورطه هستی فرومذ هزار کماندند تخته برکنار**

بوجد راه زنی **دست** ای مرغ سخنش روانه سناوز کان موحه را جا بیدار بار
این مہمیاور در طلسم خبیرانند
مان در یای شش از کی میرم کی مع آفرین ان معی را معنوم کرده ساان ان ورطه از جد
بی بری که هیچ آفرین ان معی را معنوم کرده

کے رادرتن نرم ساغر دهند
ان رہ نہ ساری مر کدایب
فی من کم و شاکد ام است
بدری بر تر از جبال و قمار و قمار
جلس تمام کسب و اخر سید صبر
ان نہ رویت من صفت نام

ان حد شازد کوی و کس حرام از شفق
تمت الکتاب فی العقل والعرفان جو الصدق الکامل المسیح

کتاب **کتاب** در کتب الصدق الکامل المسیح
کتاب **کتاب** در کتب الصدق الکامل المسیح

نسخه ای قدیمی از کلیات سعدی شیرازی
به خط عبدالصمد بن محمد بن محمود، مورخ ۷۲۱ ق
کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۲۵۶۹